

رسم جهد



نشریه فرهنگي-اجتماعي و سياسي
شماره 66- ویژه نامه بهادي

اردوي بهادي بسيج دانشگاه اصفهان 1403

بِسْمِ اللَّهِ

صاحب امتیاز:

بسیج دانشجویی دانشگاه اصفهان

مدیر مسئول:

فاطمه جزینی

سر دبیر:

صبا حسن زاده

ویراستاران:

فاطمه جزینی، ندا بیژنی

صفحه آرا:

ندا بیژنی

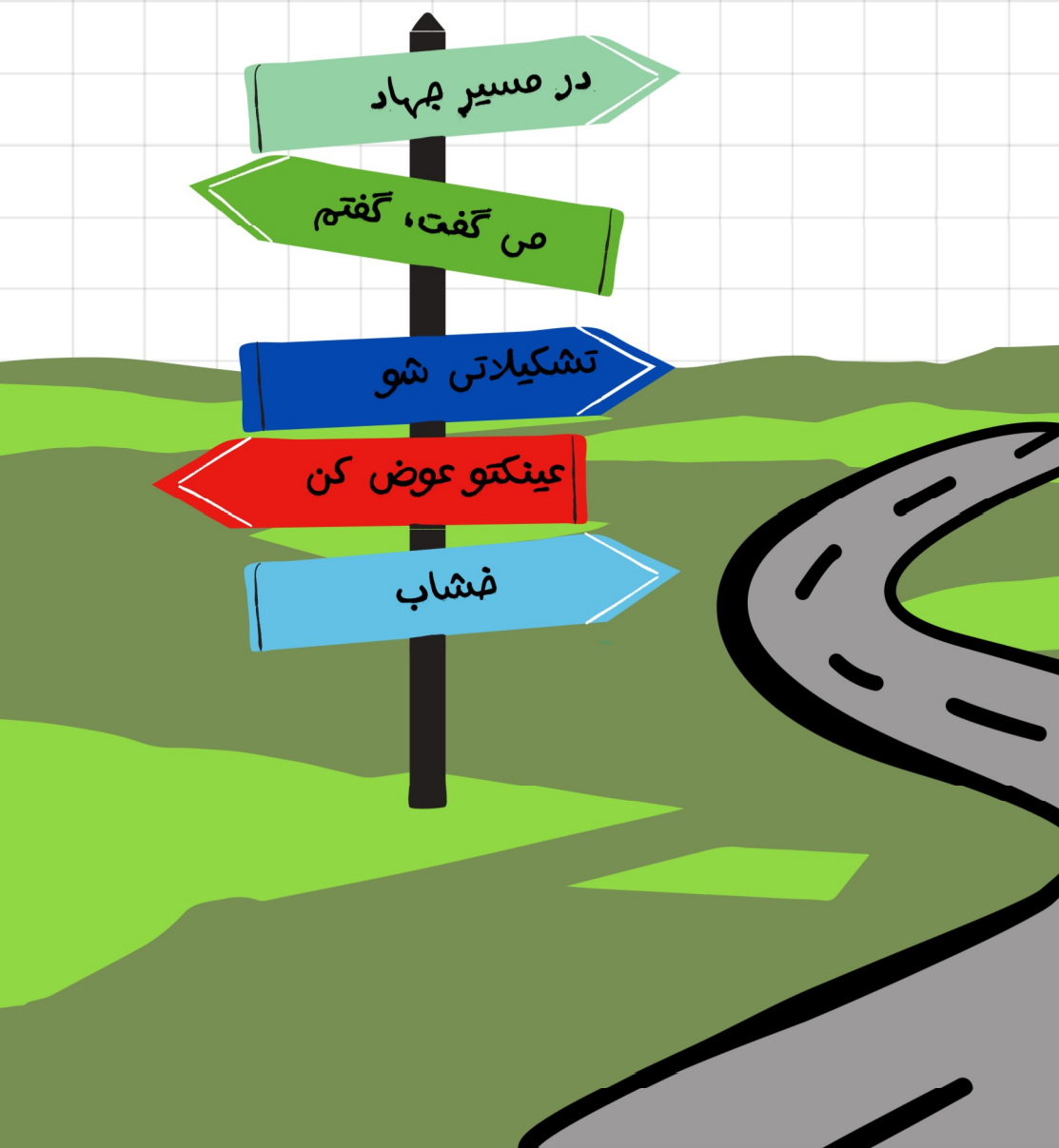
هیئت تحریریه:

رضا رضایی، امسان فراهانی، فاطمه جزینی



راه‌های ارتباطی: UISB_IR@

فصل اول



در مسیر جهاد

استراحت

از زمان استراحت خوب
استفاده کن! غذای روح و
غذای جسم (نماز و
ناهار) هردو تورو سرپا نگه
می‌دارد

صبحانه

صبحونه همون آذوقه‌ایه
که کل روز تورو سرحال
نگه میداره تا بتونی با کلی
بچه قد و نیم قد سر و کله
بزنی و البته لبخند روی
لبتو قشنگ‌تر میکنه پس
راحت حذفش نکن

بیدار باش

یادت نره کامروایی یک
جهادگر در گروهی
سحر خیزیشه

گعده‌های شبانه

(۱۲_۱۴_۱۶_۱۸_۱۹ مردادماه)

یه دانشجوی جهادگر همیشه به
دنبال بیشتر فهمیدن! دنبال
افزایش آگاهی و اطلاعات به درد
بخور... پس گعده‌های شبانه رو از
دست نده.

حضور در کلاس

وقت شناسی مهم‌ترین
ویژگی یک جهادگر و البته
مربی! دقیق و منظم باش
تو الگوی بچه‌هایی



پایان کلاس

بالاخره دختر بچه های
شلوغ و دوست داشتنی
میرن خونه و وقتشه بری و
خودتو برای فردای بهتر
آماده کنی

خاموشی

به خوابت اهمیت بده! زود
بخواب تا فردا یه مربی
خسته و کسل نباشی

قناد باشی
شیرینی ده روز رفاقت و
کار رفاقتی و جمعی
انجام دادن با پخت کیک
و شیرینی تکمیل میشه

هیئت جهادگران
معنویت! ارتباط با خدا
رو همیشه حفظ کن.
هیئت مکان امن و
آرامش توئه

استراحت

از زمان استراحتت خوب
استفاده کن! غذای روح و
غذای جسم (نماز و
شام) هر دو تورو سرپا نگه
می داره

پایان خوش
راهی که در پیش گرفتیم
پایان نداره ولی بد نیست
با یه جمع خفن آخرین
روزمون رو خوش
بگذرونیم



مجلس گفت گفتم

برگرفته از بیانات رهبری



می‌گفت وسط اینهمه تعریف شعاری و کلیشه‌ای یه تعبیر قشنگ بگو برام، یه تعبیر دل‌نشین از جهاد...
گفتم: «جهاد یعنی حداکثر تلاش مومن عاشق تحت امر ولی برای به کارگیری و به جریان انداختن استعدادهای بالقوه و بالفعل در راه خدا و مومن جهادی یعنی مومن بصیر به میدان آمده اهل تلاش و مبارزه»



می‌گفت سردرگمم... می‌گردم دنبال هدف واسه اینجا بودنم...

گفتم: هدف حرکت‌هایی مثل جهاد، ساختن انسان‌هاست ما با این کار به انقلابمان بُعد سازندگی می‌بخشیم و نه فقط سازندگی آن روستا یا آن جاده یا آن پل یا آن خاکریز. بلکه از آن بسیار مهم‌تر سازندگی انسان‌هایی که آن پل را و آن خاکریز را جاده را می‌سازند.



می‌گفت خب اینهمه خونه و خرابه رو ساختیم و آباد کردیم تهش چی شد؟

گفتم: قدر جهاد را بدانید؛ جهاد یک جهاد واقعی شد اگرچه در اول فکر می‌شد که جهاد سازندگی خواهد رفت تا روستاها را بسازد اما جهاد سازندگی در ساختن انسان‌ها سهم وافر را ایفا کرد.

می گفت نه همیشه، ما نمی‌تونیم!

گفتم: جوان‌های جهاد سازندگی «نمی‌شود» در قاموسشان نبود می‌گفتند
می‌کنیم تا بشود و کردند تا شد

می گفت خدمت به خلق یا خدمت به خود؟ مسئله این است.

گفتم: و اما از این مهم‌تر خدمتی است که شما به خودتان می‌کنید
استعدادهای درونی خودتان را فعال می‌کنید و بالقوه‌هایی که در وجود
شماست فعلیت می‌بخشید تجربه پیدا می‌کنید با زندگی مردم آشنا می‌شوید
واقعیت‌های زندگی را لمس می‌کنید در خودتان شعف و بهجت خدمت رسانی
را احساس می‌کنید و این احساس را در وجود خودتان زنده می‌کنید کسی که
لذت خدمت و کار را بچشد از کار خسته نمی‌شود.

می گفت حس می‌کنم یه چیزی کمه یه چیزی باید باشه که نیست.

گفتم: در تشکیلات جهاد سازندگی آنچه لازم است کار و ابتکار است کار
خستگی ناپذیر و ابتکار و نوآوری برای نجات کشور

می گفت اولین باره میام، میترسم از نشدن و نرسیدن به اون چیزی که میخوام.

گفتم: یک ملت تا گستاخی ورود در میدان‌های ناشناخته را نداشته باشد نه در زمینه علم پیشرفت می‌کند و نه در زمینه صنعت و سیاست. ما را عادت داده بودند که جرات نکنیم دست به ابتکار و خلاقیت بزنیم.

می گفت اینم مثل همه وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی، دست و پامونو می‌بنده واسه کار کردن!

گفتم: جهاد سازندگی یک جریان است نه یک اداره و سازمان...

می گفت آخه من که کاری بلد نیستم پیام چیکار؟

گفتم: شما اگر درس قرآن هم آنجا ندهید خود حضور یک جوان مومن و متدین و متشرع در یک مجموعه روستایی در بین جوانان در بین مردم مظهر مجسمه آیه قرآن است آنها را به دین به انقلاب به معنویت سوق می‌دهد «کونوا دعوت الناس بغير السنتکم» شما با عمل شما با عمل خودتان مردم را به ایمان به اسلام به دین دعوت می‌کنید این خدمت‌رسانی است خدمت‌رسانی مادی و معنوی.

می گفت لذتش به آجر و بیل و کلنگشه! ذوقش به دیدن خونه‌ایه که درست کردی و دیواری که رنگ زدیه...

گفتم: غفلت از وجود کار فرهنگی به طور خاص در درون تشکیلات و اثرگذاری فرهنگی در مناطق محروم در روستاها را جدی بگیرید. باید با مردم مهربانی کرد و آنچه که مردم به آن احتیاج دارند باید به آنها داد از جمله احتیاجات فرهنگی و بنده از اینکه جهاد سازندگی در کنار خود یک تحرک مستمر فرهنگی نداشته باشد نگران می‌شوم یک کار فرهنگی قوی مطمئن و متکی به یک دستگاه امن آگاه عالم روحانی.



می گفت چطور توشه اینجا رو با خودم ببرم؟

گفتم: در پایان اگر مجموعه‌ای بخواهد این برکات را ادامه دهد به ایمان باور توکل و رابطه دائمی با خدا احتیاج دارد وقتی این ارزش‌ها در هم تنیده شد و مجموعه را فرا گرفت دیگر هیچ خطری مجموعه را تهدید نمی‌کند

تہذیب و ثقافت
پیش قدم



«قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْنِي وَفَرَادِي ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا»

بگو من شما را فقط به يك حقيقت پند می‌دهم و آن اينكه دو دو و یکی یکی برای خدا به پا خیزید، سپس بیندیشید.

نردبون

- - میگما اگه آدم نبودی دوست داشتی چی بودی؟
- + این چه سوالیه این وقت شبی آخه؟! بخواب فردا کلی کار داریم.
- - حالا بگو دیگه...
- + چی بگم والا... تا حالا بهش فکر نکرده بودم، اصلا خودت دوست داشتی چی بودی؟
- - نردبون.
- + وا! این همه چیز، حالا چرا نردبون؟
- یک وقت، بهترین استفاده از یک انسان زنده و عاقل و باشعور این است که مثل نردبان بشود و یک نفر پایش را روی دوش او بگذارد تا دستش به جایی برسد که کاری انجام بدهد. چه اشکالی دارد؟ اگر مصلحت انقلاب و کشور اقتضا می‌کند، باید چنین کاری هم کرد. توصیه‌ام به شما برادران عزیز این است که هر جا هستید، هر کاری که احساس می‌کنید انقلاب بدان نیاز دارد، آن را انجام بدهید.
- (بیانات در دیدار کارکنان نهاد ریاست جمهوری 1368 / 5 / 18)

اگر رفتی درم بند!

در دوازدهم مهرماه سال ۱۳۶۵ و بعد از حذف تلخ تیم ملی در بازیهای آسیایی سئول بود که ۱۴ بازیکن ملی پوش کشورمان با انتشار نامه‌ای که به استعفای ۱۴ نفره معروف شد، ضمن انتقاد از رفتار شادروان پرویز دهداری سرمربی وقت تیم ملی، کناره‌گیری خودشان را اعلام کردند و مدعی شدند تا وقتی این کادر فنی بر سر کار باشد آن‌ها دیگر حاضر نیستند برای تیم ملی به میدان بروند و ترجیح می‌دهند کناره‌گیری کنند. اما دهداری در یک حرکت شجاعانه اما جنجالی بازیکنان مستعفی را بطور کامل کنار گذاشت و تیمی نو با بازیکنان جوان و گمنام تشکیل داد و توانست با تیم ناشناخته خود، در جام ملت های آسیا سوم شود.

اگر خدای ناکرده همگی‌تان یک وقت بگویید «ما می‌خواهیم این کار و فعالیت و حضور را ببوسیم و کنار برویم»، عقیده ندارم که این میدان، خالی خواهد ماند؛ نه. عقیده‌ی من این است که بارِ خدا، زمین نمی‌ماند.

(بیانات در دیدار هنرمندان و مسئولان فرهنگی کشور 22/4/1373)



فصل مشترك

- آخه برادر من تو داخل این همه ساعت مناظره یه خط برنامه از این بنده خدا شنیدی که میخوای کشورو دو دستی تقدیمش کنی؟
+ حالا این سه سال مملکت دست شما بود چه گلی به سرمون زدید؟! راستی داری میری از سایه برو!
* چتونه بچه‌ها؟ همین که تصمیم گرفتید برید رای بدید خیلی خوبه و یعنی سرنوشت این کشور براتون مهمه!

اختلاف سلیقه‌ها را کنار بگذارید، دنبال وجوه مشترک بگردید. من تعجب می‌کنم از کسانی که حاضرند با افرادی که از لحاظ دارا بودن ایدئولوژی مادی و الحادی نقطه‌ی مقابل ما هستند وجه مشترکی پیدا کنند اما با برادران مسلمانشان حاضر نیستند. بگردید دنبال وجه مشترک، مشترکات بین ما زیاد است. الآن شاید به تعداد افرادی که در اینجا حضور دارند در جمع حاضر، نقطه نظرها و سلیقه‌ها وجود داشته باشد؛ اما بالاخره یک انگیزه‌ی واحدی، یک وجه مشترکی ما را اینجا جمع کرده است. این وجه مشترک را پیدا کنیم، تقویت کنیم.

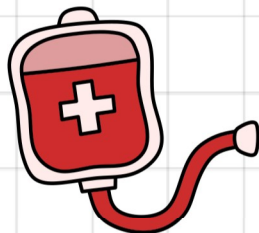
(سخنرانی در جمع جوانان با بصیرت حزب جمهوری اسلامی اهواز در خردادماه 1358)

خون تازه = جون تازه

مدیرکل انتقال خون استان اصفهان گفت: با توجه به کاهش ذخایر خون به زیر ۵ روز، اداره کل انتقال خون اصفهان به همه گروه‌های خونی نیازمند است تا بتواند جوابگوی بیماران باشد. وی با بیان اینکه حداقل استاندارد ذخیره خون هشت روز است، تصریح کرد: مرکز اهدای خون خواجه اصفهان از ساعت ۸ صبح الی ۱۷ و از ساعت ۱۹:۳۰ الی ۲۴ منتظر اهداکنندگان ایثارگر خون می‌باشد.

برای جلوگیری از فرسوده شدن تشکیلات بلاشک احتیاج دارید به اینکه مرتب نفس و خون جدید وارد آن کنید؛ چون یک مجموعه‌ی بسته و بدون تبدل خون و هوای آزاد، بعد از مدتی به‌طور طبیعی فرسوده و کهنه خواهد شد. شما باید خونهای جدید را وارد کنید. البته خون سالم وارد کنید و حواستان جمع باشد که خون هپاتیتی یا ایدزی وارد نکنید! برای این کار که وارد کردن خون جدید و پاک است احتیاج است به این که شما بعضیها را رشد دهید.

(بیانات در دیدار جمعی از اعضای انجمن قلم 8 / 11 / 1381)





وقتی تیم خوب باشه منم خوبم!

+ تبریک میگم آقای حدادی، شما با 20 امتیاز، 8 ریباند، 5 پاس گل و 3 بلاک بهترین بازیکن زمین شدید.

- چه فایده وقتی ما بازی رو باختیم و حذف شدیم؟!

خوب بودن شما کافی نیست؛ باید مجموعه خوب باشد.

(بیانات در دیدار مسئولان بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی 24/7/1369)

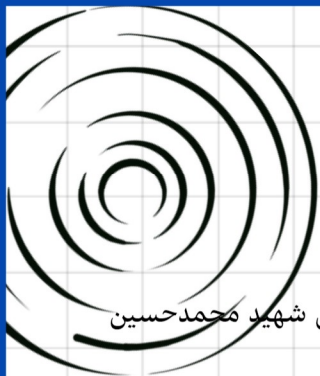


زیر ذره بین

سرمربی پرتغالی استقلال که از چندی پیش درخواست داده بود تا برای او برجکی را در محل تمرینات نصب کنند تا او بتواند با ارتفاع بالا، عملکرد شاگردانش را مانند یک تماشاگر زیر نظر داشته باشد و با در اختیار داشتن وسعت دید بیشتر، به خوبی تمرینات آنها را دنبال کند، بالاخره خواسته اش محقق شد و در تمرین امروز استقلال سایننتو از آن بالا رفت و تمرینات را با چند متر ارتفاع، کنترل کرد. جالب اینکه چند روز پیش نیز و در حاشیه تمرینات تیم ملی فوتبال ایران، کارلوس کی روش نیز با استفاده از یک برجک نگهبانی، تمرینات ملی پوشان را زیر نظر گرفته بود.

مجموعه‌ی تشکیلاتی، حیاتش به این است که از بالا مرتب زیر نظر باشد. یعنی یک نفر، دائم به آن تشکیلات نگاه کند. این نگاه، مثل نور چراغ قوه است و تا زمانی که به یک نقطه افتاده باشد، آن نقطه روشن است. اما به مجردی که چراغ قوه را گردانید، دیگر آن نقطه روشن نیست. کسی که بالا سر است، باید دائم مجموعه را زیر نظر داشته باشد و با چشم و نگاه اوست که مجموعه جان می‌گیرد. «نگاه» که عرض می‌کنم، نگاه ظاهری نیست؛ مقصود، مدد رساندن فرد ناظر و بالاسر است.

(بیانات در دیدار هنرمندان و مسئولان فرهنگی کشور 22/4/1373)



دایره‌ای به قطر بینهایت

امیرحسین زند، عضو بسیج دانشجویی علوم پزشکی اراک و رفیق شهید محمدحسین دریس:

محمدحسین نگاه جامعی داشت، دایره انقلاب برایش وسعت داشت. من مدتی به دلایلی از بسیج دانشجویی دور بودم و محمدحسین پس از اینکه با اجماع همگانی مسئول بسیج شد بارها به من گفت بریم جهادی و من دلم میخواست این اردوی جهادی رو برم ولی اومدم مشهد و طرح ولایت. دایره انقلاب برای او به آدم های هم شکل خودش خلاصه نمیشد و سریع دیگران را از این دایره طرد نمیکرد. با همین بینش خلیها با او به اردوی جهادی آمدند. این همان نگاهی است که برای ساخت ایران سربلند و تمدن نوین اسلامی به آن نیاز داریم.

اینجوری نیست که شما بیائید افراد ضعاف‌الایمان را از دایره خارج کنید، به بهانه‌ی اینکه می‌خواهیم خالص کنیم؛ نه، شما هرچه می‌توانید، دایره‌ی خلصین را توسعه بدهید؛ کاری کنید که افراد خالصی که می‌توانند جامعه‌ی شما را خالص کنند، در جامعه بیشتر شوند؛ این خوب است. از خودتان شروع کنید؛ دور و بر خودتان، خانواده‌ی خودتان، دوستان خودتان، تشکل خودتان، بیرون از تشکل خودتان. هرچه می‌توانید، در حوزه‌ی نفوذ تشکل خود، برای بالا آوردن میزان خلوصهای فردی و جمعی تلاش کنید؛ که نتیجه‌ی آن، خلوص روزافزون جامعه‌ی شما خواهد شد.
(بیانات در دیدار دانشجویی. رمضان 1389/5/31)

اشتباه کردم!

+ دیدی؟! من که از همون اول گفتم این برنامه مخاطب نداره. این همه دنگ و فنگ کشیدیم آخرش کلا 10 نفر اومدن.
- قبول دارم علی جون. اشتباه از من بود، فکر میکردم همینجور که صحبتای این استاد

برای من جالب بود برای بقیه هم جذابه. حالا بذار برنامه تموم بشه، بعدش باهم مفصل صحبت میکنیم که چی شد که اینطوری شد.

وقتی معلوم شد کار غلط است، روی آن پافشاری و لجاجت نکن؛ مثلاً ما ایده‌ای را مطرح کردیم و استدلال کردیم و دنبالش هم رفتیم و زحمت هم کشیدیم، اما کسانی مخالفت کردند و ما هم گفتیم نه و پیش رفتیم؛ حالا رسیدیم به جایی که دیگر واضح شد غلط است؛ اینجا حرفتان را پس بگیرید؛ هیچ اشکالی ندارد. پس لجاجت به خرج ندهید.

(بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت 17/7/1384)



گوش به نقد

حجت الاسلام والمسلمین رفیعی:

یک روزی بنده در حرم حضرت معصومه (س) نسبت به گرانی‌ها و کاهش ارزش پولی ملی انتقاد کردم و وظیفه خودم می‌دانم دغدغه‌های مردم را بیان کنم، یکی دو روز بعد وزیر اقتصاد تماس گرفت و گفت رئیس جمهور تأکید کردند من تلفنی و حضوری درباره مشکلات اقتصادی به شما توضیح بدهم، حالا بنده نمی‌خواهم بگویم که از توضیحات وزیر قانع شدم، اما می‌خواهم بگویم رئیس جمهور برای انتقاد یک منبری نیز ارزش قائل بود.

برای شنیدن نقد، سینه‌ی گشاده و روی باز و گوش شنوا داشته باشید.

(بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت 16/6/1388)



یه حبه قند

من مثال می‌زنم به این لیوان آبی که توی آن یک حبه قند را می‌اندازید. این یک حبه قند یک چیز مشخصی است، به قدر خودش شیرینی دارد، به قدر خودش همه چیزهایی که توی قند هست، در این است. وقتی در لیوان آب انداختی، تمام است؛ یعنی یک دانه از این ذرات ریزی که زیر دندان می‌آمد و صدا می‌کرد و خودش را نشان می‌داد که هان! منم؛ یک دانه از اینها باقی نمی‌ماند، تمام حل می‌شود در آب. در آنجایی که قبل از آن، یا بعد از آن، ده حبه قند دیگر حل شده. اما به نظر شما از این حبه قند یک ذره اش، یک سر سوزنش از بین رفت؟ هیچ چیز از آن از بین نرفت. این قند یک ذره کم نشد، بلکه یک خورده به آن زیاد شد. زیرا آن مقدار شیرینی که در این قند بود آمیخته شد با شیرینی‌های دیگر که در قندهای دیگر بود و در تمام اعضای این آب حل شد، سرایت پیدا کرد، چیزی هم از آن کم نشد؛ اما آن شخص خودش را از دست داده؛ آن فردیت خودش را از دست داده؛ یک تشکیلات باید اینجور باشد. شکل کامل یک تشکیلات درست، این جوری است که باید فرد در جمع حل بشود. (بیانات مقام معظم رهبری 2/3/1359).

شهر هرت

کاراکاس پایتخت کشور ونزوئلا است. این کشور در محدوده کشورهای آمریکای لاتین واقع است. رشد این شهر در سالیان اخیر به صورتی بی‌برنامه و بدون کنترل بوده است که گویا هیچگونه برنامه‌ریزی جمعیت‌شناختی تاکنون در شهر انجام نشده است، به همین دلیل هنوز می‌توان مناطق و محلاتی را در کاراکاس یافت که فاقد سیستم‌های برق و آب‌رسانی هستند، نیازی به ذکر دیگر خدمات همچون مدرسه، بیمارستان، پاسگاه پلیس، اداره آتش‌نشانی و غیره نیست. بنابراین، بسیاری از مناطق حومه و محلات شهر همچون مناطق بی‌قانونی هستند که در آن جرم و

ناامنی شب و روز بیداد می‌کند. کاراکاس، همچون دیگر شهرهای آمریکای لاتین، از بهترین نمونه‌های «توسعه بدون برنامه و حمایتی» است که در نتیجه شهری جدید و ثروتمند اما هم‌زمان مبتلا به بی‌قانونی و فقر فزاینده ایجاد می‌شود. یکی از بالاترین نرخ‌های قتل در دنیا در این شهر صورت می‌گیرد.

پایبندی به قانون و قانون‌گرایی خیلی مهم است. قانون ریل است؛ از این ریل اگر چنانچه خارج شدیم، حتماً آسیب و صدمه است. گاهی قانون ناقص است، گاهی قانون معیوب است؛ اما همان قانون معیوب هم اگر چنانچه عمل نشود - که منتهی به بلبشو و هر که هر که خواهد شد - ضرر آن عمل نشدن، بیشتر از ضرر عمل کردن به قانون است. این را باید نهادینه کرد؛ در مجموعه‌ی دستگاهها این باید نهادینه بشود.

(بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت 6/6/1392)



مرکز دنیا

+ اوف، بابا تو هم دیگه خیلی جدی گرفتی! حالا نهار راننده یه ربع اینور اونور بشه مگه چه اتفاقی میوفته؟

- غذای راننده دیر بشه اعصابش خرد میشه، اعصاب خودش که خرد بشه اعصاب چهل تا دانشجو رو خرد میکنه، چهل نفر هم که اعصابشون خرد بشه کل اردو میریزه بهم! حالا دیدی چه اتفاقی میوفته؟

در جمهوری اسلامی، هر جا که قرار گرفته‌اید، همان‌جا را مرکز دنیا بدانید و آگاه باشید که همه‌ی کارها به شما متوجه است.

(بیانات در دیدار مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی 5/12/1370)

عید گیتو عوص کن!



مشکلات از نظر راه حل به چند دسته تقسیم می‌شوند:

1. راه حل مرسوم می‌دارند که همه از همان استفاده می‌کنند و نتایج مشابهی می‌گیرند.
2. چند راه حل وجود دارد و از بین آنها بهترین و به صرفه‌ترین را انتخاب می‌کنند.
3. امری به کلی غیرممکن است.
4. راه حلی دارد که ما به آن پی نبرده‌ایم و با جستجو می‌توان آن را پیدا کرد.

گاهی تحت شرایطی مشکل به مسئله تبدیل می‌شود. اگر بخواهیم نتیجه‌ای بهتر از نتایج قبل حاصل شود و یا برای اولین بار به حل مسئله برسیم نیاز به تغییری در ذهن، نگرش، تحلیل، عمل و رفتار داریم. این تغییرات منجر به خلق مسیر و روش جدیدی با مشخصات بهتری نسبت به قبل در راستای حل مسئله و مشکل خواهد شد. می‌توان برای دستیابی به گنجینه‌ای از خلاقیت، تحلیل و آموزش ایجاد مسیر جدید به قسمتی از تاریخ معاصر با عنوان دفاع مقدس نگاهی عمیق و کاوشگرانه داشته باشیم.

شهید حسن باقری در خصوص عملیات امام علی(ع) در تپه‌های الله اکبر(31 اردیبهشت سال 1360) گزارشی دارند که در قسمتی می‌نویسند:

این جنگ فرصت‌های طلایی بسیاری جهت رشد استعدادها به ما داده است. نیروهای ما با توجه به بُعد انقلابی که دارند، چشم و گوش بسته تابع قانون‌های از خارج آمده نیستند و می‌توانند از قالب‌های پیش‌ساخته خارج شوند و با فکر سازنده‌ی خویش روش‌هایی ابداع کنند که دشمن نخواهد توانست به سادگی در مقابل این نیروها به دفاع برخیزد.

در ادامه به برخی از تغییر نگرش‌ها، مصداق ابتکاری خلاقانه و تحلیل در دفاع مقدس می‌پردازیم.

بن بست

تغییر راهبرد

طرح جدید

بعد از عملیات نصر(دی ماه سال ۱۳۵۹)، بنی صدر به خاطر عملکردش در جنگ، بن بست به وجود آورده بود. او اعتمادی به حضور نیروی های مردمی در صحنه ی نبرد نداشت. معتقد بود که فقط ارتش باید بجنگد.

در جلسه ۲۳ دی ماه ۱۳۵۹ که در گلف(پایگاه منتظران شهادت اهواز) و محضر مقام معظم رهبری به عنوان نماینده ی امام در شورای عالی دفاع و فرماندهان تشکیل شد، حسن باقری در آغاز جلسه گزارشی از وضعیت جبهه ی دشمن و خودی ارائه داد و تاکید کرد که باید استراتژی جنگ عوض شود و جنگ را مردمی کنیم؛ با روش فعلی نتیجه ای از جنگ نخواهیم گرفت.

روایت زندگی حسن باقری جلد ۱ صفحه ۴۰۱ و ۴۰۲

حسن باقری در ادامه گفت که با توجه به روحیه ی بنی صدر و فرماندهان ارتش، ارتش ما روحیه ی تهاجمی خود را از دست داده. ضروری است که سپاه با گسترش سازمان خود و آموزش و سازماندهی نیروهای مردمی، با یک روش جدید در عرصه ی نبرد حاضر شود و سپاه توانایی چنین حرکتی را دارد. روحیه ی تهاجمی و قدرت سازماندهی در سپاه وجود دارد. ما برای آزادسازی مناطق اشغالی طرح داریم.

روایت زندگی حسن باقری جلد ۱ صفحه ۴۰۳

**پرهیز از نقاط
بی‌ارزش**

**توجه به نقاط
مهم و گلوگاه‌ها**

یکی از ابتکارات حسن باقری راه‌اندازی مرکزی برای تصمیم‌گیری به نام اتاق جنگ بود. اتاق جنگ قبلاً در لشکر ۹۲ اهواز بود. سپاه برای آنجا گزارش می‌فرستاد. چون مسئولیت جنگ توسط شورای عالی دفاع بر عهده‌ی ارتش گذاشته شده بود. ولی سپاه توانست خودش را با توجه به پیشتازی و قوت در اطلاعات نشان بدهد. اتاق جنگ ارتش، استانداری خوزستان، شورای عالی دفاع، نماینده‌ی امام در شورای عالی دفاع همه متوجه شدند که سپاه از نظر اطلاعات حرفی برای گفتن دارد، دارای دقیق‌ترین اطلاعات است و می‌تواند راه‌کار ارائه بدهد. حسن جای خودش را در اتاق جنگ باز کرد. او بلافاصله پس از جمع‌آوری اطلاعات، خودش اتاق جنگ درست کرد و مشخص نمود که کجا باید از دشمن پرهیز کنیم، کجا به دشمن ضربه بزنیم و ابتدا، باید کدام نقطه‌ی مهم را آزاد کنیم. مثلاً جبهه‌ی سوسنگرد نقطه‌ی مهمی است، نباید بگذاریم دشمن آن را اشغال کند. حالا که دشمن خرمشهر را گرفته، نگذاریم آبادان و داریون را هم بگیرد. حسن باقری گلوگاه‌های مهم را کشف کرد که از آنها دفاع کند و به دشمن اجازه‌ی دستیابی به نقاط استراتژیک ما را ندهد. او نیروی خودش را گرفتار نقاط بی‌ارزش نکرد.

روایت زندگی حسن باقری جلد ۱ صفحه ۴۳۰



تا عملیات امام مهدی (عج) در ۲۶ اسفند ۱۳۵۹
همین روش بزنیم و برگردیم بود. فقط
می‌خواستیم روحیه‌ای به دست بیاوریم
که عراق دست‌یافتنی است. چون دقیقا
مثل مار بودیم که اژدها به ما حمله
کرده بود بعدا خیلی مار بزرگی شدیم،
طوری که اژدها از ما می‌ترسید. از
عراق اژدهایی درست کرده بودیم و
خداوکیلی برای آن روز ما اژدها بود.
چون ما ماری کوچک بودیم. ممکن
بود که این مار از یک جای این اژدها هم
سر دریاورد و او را اذیت بکند. ابتدا، تصور این
بود که با حمله‌های کوچک این اژدها را کوچک کنیم.

بنی‌صدر هم چهار عملیات بزرگ داشت که ناقص بود. اگر همان زمان سپاه را هم با
خودش می‌برد، ممکن بود نتیجه بگیرد. اشکالش این بود که وقتی حمله کردند
نتوانستند مقاومت کنند. ما بعد از پاتک غیور اصلی ترسمان ریخت.
تأثیر کار شهید باقری این بود که باور را در همه ایجاد کرد که عراق دست‌نیافتنی
نیست. روز اول که به ما حمله شده بود، عراق را نماینده‌ی یک ارتش یا میلیونی یا دو
میلیونی مثل ناتو و ورشو می‌دانستیم. بعد، متوجه شدیم که این ارتش تکه‌تکه است.
ما به یک میلیون حمله نمی‌کنیم. به هر جا که حمله کنیم نهایت پنج‌شش هزار نفر
جلوی ما هستند. یک سال طول کشید و ۲۵ عملیات صورت گرفت تا این باور ایجاد
شد.

روایت زندگی حسن باقری جلد ۱ صفحه ۴۳۸

حسن باقری علاوه بر اطلاعات کلی دشمن فایلی به نام فرماندهان دشمن باز کرد. از شخص خود صدام تا وزیر دفاعش خیرالله، رئیس ستاد ارتش عبدالجبار خلیل شنشل، رئیس استخبارات عبدالجواد ذنون، تا فرماندهان سپاه‌ها و لشکرها و تیپ‌ها، گردان‌ها گروهان‌ها و دسته‌ها را مورد بررسی قرار می‌داد. در ارتش صدام دو گروه بودند؛ یکی، نیروی استخبارات، و دیگر، افرادی که درجه و رتبه داشتند. حسن روی این‌ها بسیار تاکید داشت. استخبارات فلان گردان عراقی فرار کرده یا اسیر شده است. او در بازجویی‌ها ترتیب نیروی دشمن را به سرعت کشف کرد. ساختار دشمن را به طور کامل درآورد. چیزی در ارتش عراق نبود که از چشم تیزبین او پنهان باشد. می‌دانست سیستم گسترش عراق در منطقه ما چگونه است؟ کدام سپاه کدام محوطه را دارد؟ کدام لشکر کجا قرار گرفته؟ خط حدشان چقدر هست؟ تیپ‌هایشان کجا مستقرند؟ کدام احتیاط و کدام در خط‌اند؟ سازمانی که جدیداً درست کرده‌اند، پرسنل‌اش چه

تحصیلاتی دارند؟ هیچکس به اندازه او زرهی ارتش عراق را نمی‌شناخت. نوع تانک، تعداد و مدل توپ، ضد هوایی، تسلیحات سبک و میزان مهمات یک گردان را می‌دانست. این اطلاعات را از شنود، عوامل اطلاعاتی، اسرا و شناسایی‌ها در می‌آورد.



با توجه به شناسایی‌ها، بر زمین مورد مدافعه مسلط شد و گسترش سازمان دشمن را به دست آورد. ارتش خودمان را از زبان عراقی‌ها درآورد. بعد ارتش خودمان را از زبان خودمان درآورد. به سرعت فهمید توانایی‌های ارتش خودمان چیست؟ نقاط قوت و ضعف عملیات‌هایی را که ارتش انجام داده بود درآورد. عملکرد بنی‌صدر و فرماندهان نظامی را تحلیل کرد. نقاط ضعف عملیات‌ها را درمی‌آورد تا به قوت تبدیل کند.

این اقدامات در همان سه ماه اول جنگ انجام شد. حسن باقری ترتیب نیروی دشمن را استخراج نمود و بر اساس آن به مقابله با آن، اقدام کرد. او می‌دانست که به کدام یگان و فرمانده دشمن باید حمله کرد. لذا هیچگاه بی‌گدار به آب نمی‌زد. او برای تسلط بر دشمن به سرعت زبان عربی را که زبان دشمن بود، یاد گرفت. با استعدادی که داشت زبان شهرهای مختلف و اصطلاحات را یاد گرفت و با همان اصطلاحات و کلمات محلی با افراد صحبت می‌کرد.

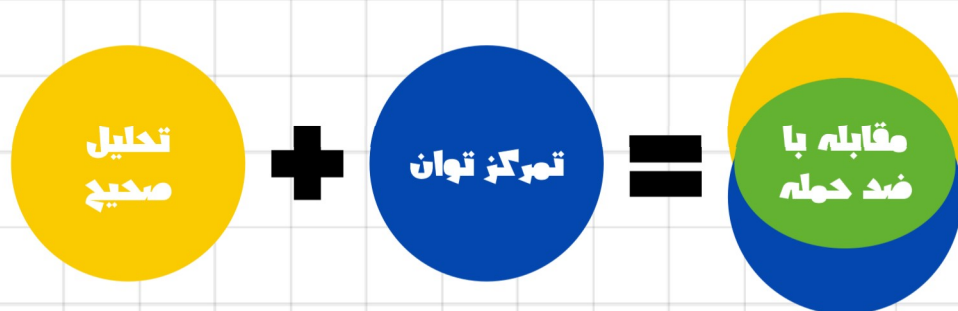
روایت زندگی حسن باقری جلد 2 صفحه 55 و 56

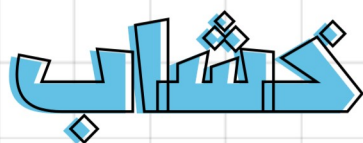
قبل از عملیات که شناسایی می‌رفتیم همیشه سوالم این بود که دشمن کجا علیه ما
ضد حمله می‌کند؟ یک روز از حسن باقری پرسیدم. گفت: «آنها در دشت عباس ضد
حمله خواهند کرد.»

پرسیدم: چرا آنجا؟

گفت: احتمالا نتوانیم اهدافمان را تامین کنیم. عراق مانور زرهی علیه ما دارد،
تیپ ۶۰ زرهی و تیپ ۱۷ زرهی را به عنوان یگان‌های احتیاط دارد.
دشمن دشت عباس را گرفته بود. دشمن تانک‌هایش را از رقابیه به دشت عباس
آورده بود. یک دشت پر از تانک در آنجا سازماندهی کرده بودند. حسن باقری به
متوسلیان گفت: شما هر طوری شده برای ضد حمله با دشمن سه گردان آماده کن.
قرارگاه قدس نتوانسته بود تپه ۲۰۲ را بگیرد و دشمن دشت عباس را پس گرفته بود.
ساعت ۹ صبح گذشته بود که عراق ضد حمله را شروع کرد. دیگر هیچ کس
نتوانست ناهار بخورد. ضد حمله دشمن شدید بود. جنگ سختی در دشت عباس
درگرفت. همه فرماندهان حاضر در قرارگاه نصر به دشت عباس آمدند. همه توانمان
در مقابل دشمن ایستاد تا ضد حمله‌ی دشمن را با ناکامی مواجه کرد.

روایت زندگی حسن باقری جلد ۲ صفحه ۴۴۷ و ۴۴۸





اسلحه کلاشینکف کمترین خشابی که دارد
۳۰ تایی است. اسلحه باید خشاب پری داشته
باشد تا بشود به آن برای جنگیدن اطمینان کرد.



جاذبه و دافعه علی علیه السلام

استاد شهید مرتضی مطهری

علی (علیه السلام) مقیاس و میزانی است برای سنجش فطرت‌ها و سرشت‌ها. آنکه فطرتی سالم و سرشتی پاک دارد از وی نمی‌رنجد ولو اینکه شمشیرش بر او فرود آید، و آن که فطرتی آلوده دارد به او علاقه‌مند نگردد ولو اینکه احسانش کند، چون علی جز تجسم حقیقت چیزی نیست. صفحه: ۴۱



به توان تشکیلات



میکروب تشکیلات - خودخواهی‌های شخصی، خودمحوری‌ها، سوءظن‌ها، بدگمانی‌های بیجا، از آفت‌های تشکل محسوب می‌شود. گاهی می‌شود برادرها یا خواهرها فکر می‌کنند منشأ سوءظن‌ها و بدگمانی‌ها در درون خود کار تشکیلاتی است. ولی گاهی اینطور نیست افراد به آن خصلت‌های منفی که دارند، وقتی وارد یک تشکیلاتی می‌شوند، در حقیقت خودشان این میکروب‌ها را وارد تشکیلات می‌کنند. به همین دلیل هم هست که یکی از واجبات

تشکیلات این است که دائماً مراقب باشد تا میکروب‌ها را از بیرون وارد پیکره و عمق تشکیلات نکند. هر یک از ما وظیفه داریم که آن ضعف‌های شخصی خود را سخت مراقبت کنیم. یک نفر تا بیرون تشکیلات هست، اگر نقطه ضعفی دارد ضعفی شخصی محسوب می‌شود ولی وقتی وارد تشکیلات می‌شود ضعف شخصی‌اش همراه با یک نوع امکان سرایت و سوار بر یک مرکب تیزپا و تندروست. در تشکیلات، گسترش ضعف‌ها ممکن است خطرناک‌تر و شدیدتر باشد و به همین دلیل مراقبت از ضعف‌های شخصی افراد لازم است. برای اینکه این ضعف‌ها تا ضعف شخصی است یک گناه هست، ولی وقتی که در یک جمع باشد گناه مضاعف و هم عقاب آن دنیایش مضاعف است، چرا که نتیجه زحمات فراوان انسان‌های تلاشگر در راه خدا با چنین ضعف‌هایی به هدر می‌رود. صفحه ۹۳

کار باید تشکیلاتی باشد



یک کار تشکیلاتی، یک کار جمعی، خصوصیتش این است که فرد باید خودش را در جمع حل کند؛ گم کند که این گم کردن عین بازیافتن به نحو درست است. چیزی کم نمی شود از آدم ها، چیزها افزوده می شود! یک تشکیلات واحد اولین و واضح ترین معنایش این است که افرادی در این تشکیلات کار می کنند. این ها به دنبال یک جهت واحدی به دنبال

گمشده واحدی می گردند، آن هم با همکاری و همراهی و همگامی با یکدیگر. پس اخلاق تشکیلاتی یعنی اخلاق اسلامی. اخلاق تشکیلاتی یعنی اخلاق اسلامی منظم. یعنی چگونگی برخورد دو برادر، دو همفکر، دو هم آهنگ، دو هم جهت، اگر دو نفر از دو طرف که با هم ۱۸۰ درجه اختلاف جهت دارند، می آیند به طرف هم، این یک جور برخورد است؛ این برخورد اصطکاک است؛ اگر کسانی با هم به یک جهت حرکت می کنند، این نوع دیگر این برخورد است. برخورد همکاری، همگامی و همراهی است. صفحه ۲۱

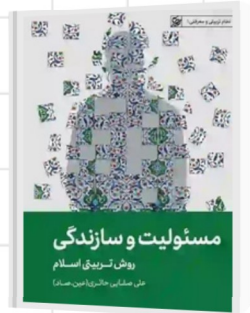
انسان در دو فصل

در طول تاریخ خیلیها از حسین یاد کردند و خون هم دادند بعد از عاشورا چهار هزار خون از توابین بر روی زمین ریخت ولی این خونها چه کرد؟ قطره های بنزین اگر در جایگاه خودش بنشیند حرکت ایجاد میکند اما خروارها بنزین، آزاد جز حرارت اثری ندارد این مهم است که عمل را با زمان و مکان خودش بسنجیم و شتاب کنیم فقط به عمل و اقدام قانع نباشیم؛ که «سَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ، قَاسِتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ». باید شتاب داشت و مسابقه داد و کار را در زمان و مکان مناسبش ارائه داد. صفحه ۸۶



مسئولیت و سازندگی

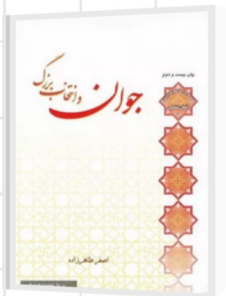
بی تفاوتی و سازشگری با ایمان و بالاتر با توحید
نمیسازد آن هم توحید در درون و در جامعه و در هستی
توحید در درون میشود عامل مبارزه با نفس و جهاد
اکبر و در نتیجه آن کس که از خودش رهیده چگونه
بار طاغوت را به دوش میکشد؟ آن کس که از خود آزاد
شده چگونه اسیر غیر میشود؟ و این است که توحید در
جامعه پا میگیرد و این توحید میشود عامل مبارزه با
طاغوت و جهاد اصغر. این شناخت و این ایمان و این توحید است که میشود زیر
بنای جهاد و امر به معروف و نهی از منکر این بارهای سنگین بر این پایه های
عمیق استوار میشوند و شکل میگیرند. و این است که مؤمن و موحد نمیتواند
سازشگر و بی تفاوت بماند. این دو با توحید و ایمان نمیسازند و با عشق به خلق
نمی سازند. این است که مؤمن همیشه کوشاست. چه با روشنگری و
سازندگی و چه با فریادگری و امر به معروف و چه با پنهانکاری و تقیه و چه با
درگیری و جهاد اینها شکلهای گوناگون تلاش او هستند. صفحه ۱۹۸



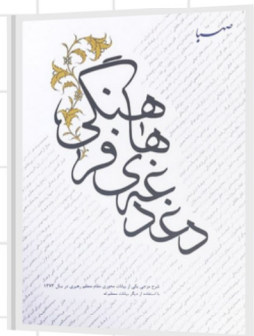
جوان و انتخاب بزرگ

عرض شد جوان کسی است که انتخابی مطابق
جوانی اش بکند، انتخاب هایی بزرگ و عمیق
و گر نه جوان نیست. اگر از جوانهای شکست
خورده پرسید: «چه آرزویی دارید؟»، جواب می دهند:
«آرزویمان آن است که جایی کار میگردیم و حقوق
نسبتاً خوبی به ما میدادند همه ی آرزو و انتخابی

که دنبال می کنند همین است، در حالی که این انتخاب یک انتخاب محدود و
انفعالی است در محدوده ی نیازهای مادی زندگی دنیایی این جوان با چنین
انتخابی روحیه ی خود را کشته و خودش مسئول روحیه ی شکست خورده اش
میباشد و وقتی به آرزویش رسید هیچ چیز برایش عوض نمی شود، همان
روحیه و همان یأس و سرخوردگی را با خود دارد. صفحه ۲۰



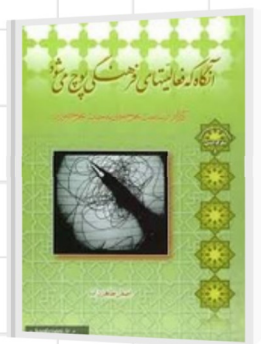
دغدغه‌های فرهنگی



علی ای حال اگر جبهه خودی یکپارچه شد، تلاش مضاعف کرد و از تلاش مضاعف خسته نشد، به کارها کیفیت بخشید و به ایجاد یک تمرکز واقعی پرداخت، آن وقت «لَدَى الْمَصْلَحَةِ لَدَى الْاِقْتِضَاءِ» این جبهه حق دارد به سراغ کسانی از آن جبهه برود. مثل انسانی که با معده سالم به سراغ لقمه ای میرود تا آن را بخورد و هضم کند و جزو بدنش سازد حرفی نیست اما مادام که چنین ابتکار عمل و اقتدار و توانایی ای در جبهه خودی نیست، بیش از هر کار واجب تر باید مواظب خودش باشد تا جبهه مقابل او را نخورد و به هضمش نپردازد. صفحه ۱۳۸

آنگاه که فعالیت‌های فرهنگی پوچ می‌شوند

در فعالیت های فرهنگی، شما بیایید موضوع را آسان کنید، اما مواظب باشید با تغییر جهت قلبها یا با تغییر روشها موضوع را ناقص نکنید که دیگر متذکر اصل خود نباشد. ناقص شدن فعالیت های فرهنگی به این معنی است که يك بعد از ابعاد انسان را تغذیه می کند ولي به بقیه ابعاد آن نظر ندارد، مثلاً خیال را اقناع می کند ولي عقل را تغذیه نمی کند، یا عقل را تغذیه می کند ولي قلب را تغذیه نمی کند و این کار بسیار خطرناك است، چون وقتی عقاید و سلوك انسان ناقص شد، دیگر سیر او به سوي مقصد حقیقی نیست بلکه به بیراهه می رود و به مقصد نمی رسد. صفحه ۱۲۲



جدال دو اسلام

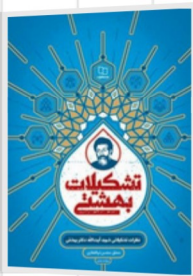
مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هرچه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند.

صفحه ۲۱۹



تشکیلات بهشتی

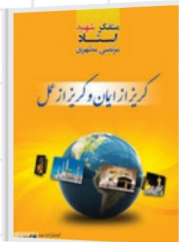
ما به یک تشکیلات نیرومند خلاق هماهنگ منسجم نیازمند هستیم که در آن استعدادها یکدیگر را بیابند؛ محل تلاقی استعدادها، محل شناسایی متقابل استعدادها باشد و در آنجا استعدادها زمینه‌ی شکوفایی پیدا کنند و محیطی مناسب برای همکاری هماهنگ پیدا کنند. چنین تشکیلات وسیع موثر منسجمی می‌تواند هر دو مطلب را تا حد زیادی تامین کند: هم می‌تواند استعدادها را در سطح گسترده‌تر بشناسد و هم اینکه این‌ها چگونه می‌توانند با هماهنگی کار کنند، این هنر یک تشکیلات است. صفحه ۶۸



مسئله حجاب

همه می‌دانیم امروز قشر عظیمی از اجتماع که به غلط خود را «روشنفکر» معرفی می‌کنند با نظر بدبینی به اسلام در مسائل مربوط به زن نگاه می‌کنند، نمی‌دانند اسلام چه گفته است و با فلسفه‌ی اجتماعی اسلام آشنا نیستند و لهذا بدبینی‌های آنها صددرصد بی‌اساس است. این دسته نه تنها به پیروی از شهوات خود عملاً مقید به حجاب و عفاف نیستند بلکه چون با حجاب اسلامی و منطق آن آشنا نیستند اعتقاد پیدا کرده‌اند که این یک خرافه است، دستوری است که موجب بدبختی بشر است و همین فکر سبب دوری بلکه بیگانگی و خروج آنها از اسلام شده است. صفحه: ۱۳۸

گزین از ایمان گزین از عمل



از کدام یک از این پنج خصلت می‌توانیم چشم‌پوشیم؟
منطق را؟ حکیمانه دیدن جهان را؟ آرمان‌ساز بودن آن را؟
تقدس بخشیدن به هدف‌ها را؟ تعهد و مسئولیت را؟ من که
نمی‌توانم باور کنم که از یکی از این‌ها بشود چشم‌پوشید...

آیا ضرورت‌ها در نهایت، بشر را به سوی مکتبی که مبتنی بر جهان بینی‌ای باشد
که همه‌ی این خصلت‌ها را داشته باشد سوق نمی‌دهد و آیا آینده جهان به این
سو نخواهد بود؟ صفحه: ۹۸

رشد

ما از استعدادهای عظیم انسان می‌یابیم که انسان بیشتر از این محدوده هفتاد
ساله است. انسان برای این زندگی محدود به این همه استعداد نیاز، نداشت
همان غرایز فردی و اجتماعی برای رفاه و نظم و عدالت زندگی هفتاد ساله
کافی بودند. ما از عظمت استعدادهای انسان ادامه او را می‌یابیم و چون
انسان از بینهایت سرمایه برخوردار است پس بینهایت ادامه خواهد داشت و
برای این بی‌نهایت راه باید استعدادهایش را بارور کند و پاهای نیرومندی
پرورش دهد و مرکب‌هایی بسازد، همانطور که برای رسیدن به ماه،
استعدادهایش را بارور کرد و مرکب‌هایی تهیه نمود و راه‌هایی را پشت سر
گذاشت. صفحه ۳۰

جمع‌ها و حاصل جمع‌ها

انسان در سایه عمل به نتیجه میرسد. ایمان و سیر فکری،
زیربنا و ریشه عمل هستند. عمل، شاخ و برگ است که به رشد
ریشه کمک میکند. ریشه درخت را بارور میکند و به آن شاخ و
برگ می‌دهد و شاخ و برگ هم، ریشه را تقویت می‌کند. وقتی
برگ‌های شمع‌دانی با روغن آغشته شود، خشک میشود و
می‌میرد و حتی ریشه‌اش را هم از دست می‌دهد. رابطه ایمان و
عمل، چنین رابطه عمیقی است. ایمان، عمل را می‌سازد و عمل،
ایمان را بارور میکند. صفحه ۱۱۴



وارثان عاشورا

درست است که عاشورا لعنت و سلام را آورد و نفرین و سلام را تقسیم کرد، ولی من هر سال حساب می‌کنم که چه سهمی گرفته‌ام و چه میراثی برداشته‌ام؟ آیا از عاشورای حسین و از کربلای حسین، سهمی داشته‌ام؟ وارث، قرابت می‌خواهد، قرابتی بدون حائل و بدون مانع. فرزندی که قاتل پدر باشد، ارث نمی‌برد. فرزندی که کافر باشد از مسلمان ارث نمی‌برد. آیا من حسین را نکشته‌ام؟ آیا من از آن چه که فهمیده‌ام، چشم‌پوشیده‌ام و کفر نورزیده‌ام؟ اگر من به ولایت حسین نرسیدم، اگر اَبُوّ اولیاء را نخواستم، اگر فرزند دنیا و یا بدتر بنده‌ی دنیا شدم و دین در وجود من شکل نگرفت و تنها بر زبانم نشست، آیا با حسین قرابتی دارم؟ آیا از عاشورا ارثی می‌برم و سهمی می‌گیرم؟ صفحه: ۲۵۴



نامه‌های بلوغ

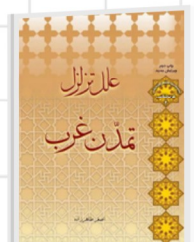
اساس و ریشه‌ی آسیب‌ها و آفت‌های ما، در ضلال و گم‌شدگی است. ضلال به معنی گمراهی نیست، ضلال یعنی سرگشتگی؛ یعنی گم‌شدگی. و این ضلال است که منشا تمامی گمراهی‌ها و از دست رفتن‌ها و کفرها و نفاق‌هاست. آدمی که خود را باخت، آدمی که خود را گم کرد، آدمی که خود را ندید و به حساب نیاورد، این چنین گم‌شده سرگشته‌ای را، هرکس به هرطرف می‌برد؛ که فرعون‌ها، همین‌گونه آدم‌ها را با پوک کردن و خالی ساختن، به اطاعت میکشیدند: «فاستخف قومه فاطعوه صفحه ۱۹۹»

عوامل رشد و رکود انحطاط

چه بهارها و چه فرصت‌های کوتاهی را پشت سر گذاشتیم و هیچ برگ و باری ندادیم. من وقتی بر خودم مروری می‌کنم، این بی‌حاصلی را درک می‌کنم. ما چون خودمان را به درستی مقایسه نمی‌کنیم، به بی‌حاصلی‌مان پی نمی‌بریم. بیشتر محاسبه‌های ما از آنجا غلط از کار درمی‌آیند که خودمان را با کسانی مقایسه می‌کنیم که قدرت، ظرفیت و انگیزه ما را ندارند؛ ... ما باید این بی‌باری و این بی‌حاصلی را بررسی کنیم. ما یا معتقد به بی‌باری نیستیم و خودمان را بارور می‌دانیم و قدم‌هایی را که برداشته‌ایم و اثری را که به جا گذاشته‌ایم، با سنت هستی هماهنگ می‌شماریم که چه خوب! وگرنه، باید دید عامل این بی‌حاصلی چیست. صفحه ۱۴۹

طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن

ایمان باید آگاهانه باشد نه کورکورانه. ایمان باید با تعهد و عمل توأم باشد، تعهد آفرین باشد و زاینده‌ی عمل و نه یک باور خشک و خالی در دل و در مغز. مومن متعهد، آن وقتی مومن است که ایمانش گاه گاهی نباشد، فرصت طلبانه نباشد، نفع طلبانه نباشد، بلکه همیشگی باشد، همه جایی باشد، همگانی باشد، همه جانبه باشد. صفحه ۱۳۹



علل تزلزل تمدن غرب

یکی از غفلت‌های تمدن غربی این است که سواد و عقل را از یک طرف، و علم و صنعت را از طرف دیگر با هم مشتبه کرده است. آنچنان صنعت و تکنولوژی داشتن عمده شد که همه فکر کردند علم همین تکنولوژی است، و تکنولوژی داشتن سرپوشی شد که بی‌علمی دنیای مدرن دیده نشود. همچنان که سواد حجاب بی‌عقلی شد. گویا هر کس سواد دارد عقل دارد و هر کس سواد ندارد عقل ندارد. طوری فضا تغییر کرد که کسی متوجه بی‌علمی و بی‌عقلی پیش آمده در تمدن غربی نشد. صفحه 98

آشتی با خدا از طریق آشتی با خود راستین

معمولاً انسان‌ها با غفلت از وجود و نظر به صورت‌ها و نسبت‌ها، دوست دارند که دور هم بنشینند و صحبت‌های بی‌مورد بکنند و خیال پردازی بنمایند، بدون آنکه متوجه شوند دارند با خیالات خود به سر می‌برند و نه با وجود، در حالی که غفلت از جنبه‌ی وجودی موجودات، یک نوع به سر بردن با جنبه‌ی دروغ آنهاست! انسان باید پیش از آنکه با خیالات خود خوش باشد، طالب کمال خود باشد و این حاصل نمی‌شود مگر با ارتباط با وجود، زیرا همانطور که عدم برابر نقص است، وجود برابر کمال است. انسانی که توانست با «وجود» مرتبط باشد به خوبی متوجه باطل بودن افکار و اعمال باطل می‌شود و چنین انسانی هرگز حاضر نیست بنشیند و مدتی از وقت گرانبهایش را با خیالات باطل و پراکنده هدر دهد و در خیال خود خوش باشد، بدون آنکه نظر به کمالات عالم داشته باشد. ۲۲۹-۲۳۰

شرح چهل حدیث

پس، اگر انسان از این عالم هر چه دید بلیات و آلام و اسقام و گرفتاری دید و امواج فتنه ها و محنتها بر او رو آورد، قهرا از آن متنفر گردد و دلبستگی به آن کم شود و اعتماد بر آن نکند. و اگر به عالم دیگری معتقد باشد و فضای وسیع خالی از هر محنت و المی سراغ داشته باشد، قهرا بدانجا سفر کند. و اگر سفر جسمانی نتوان کرد، سفر روحانی کند و دلش را بدانجا فرستد. و پر واضح است که تمام مفاصد روحانی و اخلاقی و اعمالی از حب به دنیا و غفلت از حق تعالی و آخرت است. و حب به دنیا سر منشأ هر خطیئه است، چنانچه تمام اصلاحات نفسانی و اخلاقی و اعمالی از توجه به حق و دار کرامت آن و از بی علاقه‌گی به دنیا و عدم رکون و اعتماد به زخارف آن است. پس، معلوم شد از این مقدمه که حق تعالی عنایت و الطافش به هر کس بیشتر باشد و مراحم ذات مقدس شامل حال هر کس زیادت‌ر باشد، او را بیشتر از این عالم و زخارف آن پرهیز دهد، و امواج بلیات و فتن را بر او بیشتر متوجه فرماید، تا اینکه روحش از این دنیا و زخارف آن منصرف و منزجر گردد و به مقدار ایمانش رو به عالم آخرت رود و وجهه قلبش متوجه به آنجا گردد. و اگر نبود از برای تحمل شدت ابتلا مگر همین یک جهت، هر آینه کفایت می کرد. صفحه ۲۶۷



انسان ۲۵ ساله

زینب کبری یک زن بزرگ است. عظمتی که این زن بزرگ در چشم ملت‌های اسلامی دارد، از چیست؟
نمیشود گفت به خاطر این است که دختر
علی بن ابی طالب (علیه السلام)، یا

خواهر حسین بن علی و حسن بن علی (علیهما السلام)

است. نسبت‌ها هرگز نمیتوانند چنین عظمتی را خلق کنند. همه‌ی ائمه‌ی ما، دختران و مادران و خواهرانی داشتند؛ اما کو یک نفر مثل زینب کبری؟ ارزش و عظمت زینب کبری، به خاطر موضع و حرکت عظیم انسانی و اسلامی او بر اساس تکلیف الهی است. کار او، تصمیم او، نوع حرکت او، به او این‌طور عظمت بخشید. هر کس چنین کاری بکند، ولو دختر امیرالمؤمنین

علیه‌السلام هم نباشد، عظمت پیدا میکند. بخش عمده‌ی این عظمت از این‌جاست که اولاً موقعیت را شناخت؛ هم موقعیت قبل از رفتن امام حسین(علیه‌السلام) به کربلا، هم موقعیت لحظات بحرانی روز عاشورا، هم موقعیت حوادث کشنده‌ی بعد از شهادت امام حسین را؛ و ثانیاً طبق هر موقعیت، یک انتخاب کرد. این انتخابها زینب را ساخت. صفحه ۱۸۹

خون دلی که لعل شد

برمی‌گردم به موضوع زندان، و یادآور می‌شوم که جوّ زندان مملوّ از انواع ارباب جسمی و روحی بود. مقامات زندان در نهایت بی‌رحمی و خشونت، به سرکوب و شکنجه زندانیان مسلمان می‌پرداختند. با این همه، در این زندان متوجه پدیده شگفت‌آوری شدم و آن، «عزت اسلام» بود. یعنی علی‌رغم آنکه پیروان اسلام مستضعف بودند و دشمنان اسلام



نیرومند به شمار می‌آمدند، این عزت به چشم می‌خورد. رنج و گرفتاری در سال‌های آخرین بازداشت من به اوج خورد رسید، تا جایی که حتی دیگر کسی احتمال نمی‌داد اسلام در عرصه اجتماعی بتواند ظاهر شود. ما با قرائت بشارت‌های قرآنی شکیبایی می‌ورزیدیم و در نماز مکرراً سوره «کوثر» را می‌خواندیم و به خود تلقین می‌کردیم که کوثر باید به برپایی حکومت اسلامی منجر شود. صفحه ۲۶۴

چگونه دستورات دینی ما را تربیت می‌کنند؟



وقتی دل‌بخواهی‌های ما با دل‌بخواهی‌های دیگران در تعارض قرار می‌گیرد، موجب انواع مبارزه با نفس‌ها می‌شود؛ این چه ربطی به خدا دارد؟! او که با ما مقابله‌ای ندارد؛ جز اینکه در مقام داوری، قبل از پدید آمدن بسیاری از مشکلاتی که از چشم بشر پنهان است، با یک برنامه‌ریزی هوشمندانه، تدابیری را اتخاذ کرده و دستوراتی را صادر نموده است، که از این

تزامم بتوانیم عبور کنیم. این اولین علت فهمیدنی بسیاری از محدودیت‌های دینی است که خداوند از با تزامم بین امیال انسان‌ها احکامی را وضع نموده است. هر چند این تزامم‌ها به سهولت دیدنی و دریافت کردنی نیستند و یا راه خروج از آنها برای ما به سادگی قابل درک نیست! و الا دین‌گریزی‌ها کمتر می‌شد. صفحه ۶۰



نگاهی به رابطه‌ی عبد و مولد

به نظر می‌رسد امروزه که سطح عقل و درک انسان‌ها افزایش یافته، ما هم باید سطح عمیق‌تری از معارف را به انسان امروز عرضه کنیم. الان خیلی‌ها حاضر نیستند به خاطر ترس از جهنم یا به خاطر رسیدن به بهشت دینداری کنند. کسی که کمی عقلش رسیده، تشنه‌ی دینی عمیق‌تر از دین جهنم و بهشتی است.

باید دین مافوق جهنم و بهشت به او عرضه کرد. و این سطح از دینداری تنها در دین ما پیدا می‌شود و در هیچ کدام از ادیان انبیاء پیشین سابقه ندارد. این سطح تنها در صورتی محقق می‌شود که انسان بپذیرد «مالک اصلی خداست». صفحه ۱۷۶

مشکلات حکومت دینی

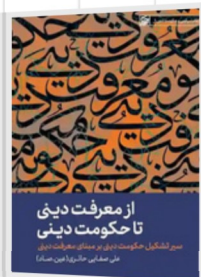
بدون تعقل و سنجش، کر و کور و لال شدن مسأله‌ای نیست، مسأله آن جاست که تو فریاد ولی را در کنار خودت نمی‌شنوی، اما صدای وزوز مگس بیدارت می‌کند؛ مثل کسی که مدعی بود کر است، اما وقتی پشت سرش پول می‌انداختند، برمی‌گشت! مگس او را از خواب بیدار می‌کند ولی صدای اولیای خدا بیدارش



نمی‌کند. این چه گوشی است که فریاد علی را نمی‌شنود، فریاد حسین را در کنار خودش نمی‌شنود ولی فریاد، و نه فریاد، که زمزمه‌ی کوچک یک مگس و صدای خفیف پول را می‌فهمد؟! این‌ها نشانه‌ی بازیگری‌های ماست و این رنج سنگینی است که بر دوش... نویسنده: علی صفایی حائری صفحه ۷۰

از معرفت دینی تا حکومت دینی

دین فقط حکم و یا تعبد نیست، که دین با رسول آغاز می‌شود و با هدایت حس و وهم و خیال و فکر و عقل و احساسات، به معارف و عقاید می‌رسیم. این معارف، مبانی و پایه‌ها، و این عقاید، اهداف و مقاصد و آرمان‌ها را فراهم می‌سازد و نظام‌سازی دین از همین مبانی و مقاصد، آغاز می‌شود و تاثیرگذاری دین بر علم و فلسفه و عرفان و هنر از همین سرچشمه مایه می‌گیرد. در واقع مبانی و



مقاصد در هر شرایط و موقعیتی که باشیم جواب به چگونگی و شکل عمل و جواب به روش و شیوه و از کجایی عمل و جواب به دستور و باید و نبایدها را می‌دهد و و این جوابگویی و از رأی و قیاس و استحسان مایه نمی‌گیرد؛ که از مبانی و مقاصدی که در منابع و دلالت‌ها مشخص شده بهره می‌گیرد و ذهنیت و هواهای انسانی بر آن تأثیر نمی‌گذارد؛ صفحه ۱۷۵

صراط



از تو تنها عمل نمی‌خواهند. عمل اسکناس است که ارزش ندارد. ارزش آن وابسته به پشتوانه‌ی آن است. مهم عبادت نیست. ببین این نماز، این ذکر، این ریاضت و این خدمت و یا این شهادت و جهاد، امری و تکلیفی به آن رسیده است، پس تمامی اینها ارزش دارد و پذیرفته است و یا امری به آنها نرسیده است، پس تمامی‌شان بر باد... صراط مستقیم، راه نزدیک، راه میان‌بر، همین

عبودیت و اطاعت است، نه عبادت و ریاضت، نه خدمت به خلق و نه شهادت. شهادتی که از امر او الهام نگیرد و خدمتی که از او مایه نگیرد و ریاضتی که از او نباشد و عبادتی که نشان او را نداشته باشد، بر باد است. صفحه ۱۵۹

حرکت: تبیین نیازهای فکری و تربیتی انسان

باید ببینیم برای از بین بردن دردها و تبدیل فسادهایی که در یک جامعه وجود دارد، آیا دگرگون کردن روابط تولیدی و نظام تولیدی اش کافی است یا این حرکت را باید در جای دیگری جستجو کنیم؟ آیا تضاد طبقاتی را آغاز حرکت و انقلابمان قرار دهیم یا درک این تضاد را و در نتیجه عنصر آگاهی را در این حرکت دخالت دهیم یا درک دیگری جز اینها را؟ اگر عنصر درک و آگاهی در آن دخالت دارد، چگونه این



آگاهی را به وجود آورده و پیش ببریم؟ وقتی می‌خواهیم بنیادهای فکری جامعه را بهم بریزیم، آیا باید به آن جامعه چیزی بدهیم (ایجاد زمینه‌ها) یا از آن چیزی بگیریم (رفع موانع) یا هر دو کار را داشته باشیم؟ صفحه: ۴۸-۴۹

رشد

انسان هنگامی آدم میشود که به استعدادهای شکل گرفته اش جهت بدهد و برای این انسان مکتبی مکتب میشود که جهت حرکت و صراط و روش حرکت و او را به او یاد بدهد و بیاموزد بدون آنکه او را مسخ کند و او را در راه بغلطاند و ۱۸ از ۷۵ انسان هنگامی آدم میشود که به استعدادهای شکل گرفته اش جهت بدهد و برای این انسان مکتبی مکتب میشود که جهت حرکت و صراط و روش حرکت و او را به او یاد بدهد و بیاموزد بدون آنکه او را مسخ کند و او را در راه بغلطاند و بغل بگیرد.

صفحه ۱۸





کار جهادی، به معنی کار برخاسته از ایمان و به کار گیرنده هرچه بیشتر از ظرفیت وجودی انسان است؛ و این دو هیچ یک، نقطه پایان ندارد؛ پس کار جهادی امروز شما می‌تواند ده‌ها و صدها برابر، کیفیت و ارتقا و گسترش یابد.

اردوی جهادی بسیج دانشگاه اصفهان 1403